

مرکز آمار، محدوده تغییرات تورم دوازده ماهه در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» را بین ۱۵/۷ درصد برای دهک اول تا ۱۷/۷ درصد برای دهک دهم برآورد کرده است. به گزارش «ایسنا»، نرخ تورم کل کشور در مهر ۹۷، ۱۳/۴ درصد است که در دهک‌های مختلف هزینه‌ای در بازه ۱۲/۷ درصد برای دهک اول تا ۱۴/۳ درصد برای دهک دهم نوسان دارد. محدوده تغییرات تورم دوازده ماهه در این گروه، بین ۱۵/۷ درصد برای دهک اول تا ۱۷/۷ درصد برای دهک دهم است. مرکز آمار همچنین در مورد گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» تورم را بین ۱۰/۴ درصد برای دهک اول تا ۱۳/۶ درصد برای دهک دهم برآورد کرده است.

درباره تحولات تازه طبقه‌ای که سال‌هاست به جای سازنده بودن مصرف کننده است

تغییر جهت طبقه متوسط ایران به سمت زیست کارگری



بسیاری از کارگران اداری و خدماتی هیچ رخدادی را در تحولات اجتماعی پیگیری نمی‌کنند

کار سرگردان، کم رمق و فاقد تحرک و پویایی تولید می‌کنند. ماحصل آن هم نه از جنبه نام و منزلت، بلکه از نظر تجربی، زندگی کارگری را پیشه کرده و طبق دستورالعمل‌های موجود به اجرای روزمره کسب‌وکار می‌پردازند، چراکه بسیاری از فرمول‌ها و مفاهیم اقتصادی، فرهنگی و... جامعه‌ما در خود نیازی به تأمل، طراحی و بازنگری که از ویژگی‌های جامعه مدرن و در حال توسعه است، نمی‌بینند. در نتیجه، به‌رغم گزارش‌های متعدد در خصوص شاخص‌های مربوط به حضور و وضعیت طبقه متوسط، پیش‌بینی می‌شد که مصرف فرهنگی و مشارکت اجتماعی بالاتر رود. اما در عوض مصارف زینتی، خودرو و... که بیشتر نشان‌دهنده تقلید از ارزش‌های طبقات مرفه و خوش‌گذران بود، جلوه‌گر شده و گروه مشهور به طبقه متوسط چنان تحولی که پیش‌بینی‌ها در خصوص افزایش سرمایه فرهنگی نشان دهد، رقم نزد. این گروه که ذیل عنوان طبقه متوسط، متأمل و با سرمایه فرهنگی بالا نمایان نشده، می‌تواند تنها به‌عنوان نیروی کار مرفه‌تر قلمداد شود. تا جایی که این بخش از نیروی کار، بساط ریاضت برای تحرک را واگذاشته، درآمدهای خود را صرف این کرد تا نسل‌های بعدش به کارگران سیال جهانی تبدیل شود.

در سال‌های اخیر، این گروه، باز هم اصرار بالایی برای مداخله در سیاست‌نظری، مشارکت اجتماعی و مداخله عملی

داشته‌اند، اما واقعیت آن است که آن اتفاق اساسی که باید در طول سالیان سال می‌افتاد، باید خود را در عرصه خلاقیت، عاملیت صنعتی، خدماتی، مدیریت سرمایه و... که همه و همه خود را در مشارکت در سرمایه فرهنگی مشهود می‌کرد، نشان می‌داد و نه صرفاً در عرصه عمومی. چه بسا روش مداخله در «ریاضت‌کنشی» فرهنگی و عاملیت در طرح‌های خلاقانه امکان موفقیت آنان را در تصدی‌گری بر سرمایه و نظم اجتماعی بیشتر هم می‌کرد. چراکه طبقه متوسط، اگر قرار است روند تحولات اجتماعی را در دست بگیرد، نه صرفاً با اصرار بر تغییر ماهیت از کارگر به کارمند، دکتر و مهندس، که از طریق برگرفتن سهمی از مدیریت، دگرگونی و ارتقای سیستم‌های کاری صورت خواهد داد. اما غالب کارشناسان، مدیران و مسئولانی که در ایران با القاب و انساب ذکر شده کار می‌کنند، بیشتر در حد و قواره شرح وظایف و عمل به تکلیف فعالیت می‌کنند تا عاملیت خلاقانه‌ای که بتواند ساخت اقتصادی سازمان‌ها و سیستم‌ها را دگرگون و رو به رشد کند. تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در سال‌های اخیر، این رفاه نسبی را نیز کاهش داد تا امروز، بخشی از گروه‌های بامنزلت‌تری که می‌توانستند رفاه نسبی و امکانات اقتصادی بیشتری داشته باشند را در تنگنا قرار داده تا از نقطه‌نظر درآمدی هم به همراهان دیرین خود، یعنی کارگران بپیوندند. در سال‌های

اخیر، با رواج مسکن‌های ارزان‌قیمت و گسترش سرسام‌آور آپارتمان‌ها و شهرک‌هایی که برای نیروی کار جامعه تدارک دیده شده است، گروه مشهور به طبقه متوسط که صرفاً از طریق اشرافیت نیابتی و انتقال فشار عاملیت سرمایه بر گروه‌های ضعیف‌تر خودنمایی می‌کرد را به پایگاه اقتصادی اصلی‌اش نزدیک‌تر کرد تا بلکه بتوانند در جایگاه واقعی خود با بقیه نیروی کار به هم‌نوابی و همراهی بهتری دست یابند. در نتیجه، جامعه دولایه ایران که از گذشته صورت‌بندی «مالکان سرمایه» (ارباب) و «موظفان به کار» (رعیت) را داشت، مجدداً بازاریابی شده و به‌صورت گروهی از عاملان و معتمدان بازیشان به‌همراه نیروی کار عظیم‌الجثه‌ای به‌صورت کارگران فصلی، عادی، خدماتی و... شکل گرفته است. اما بسیاری از کارگران اداری و خدماتی به خود عناوین متنوعی چون طبقه متوسط، کارمند، پزشک و مهندس اطلاق کرده و با درآمدهای بهتری که کسب می‌کنند، کمتر رخدادی را در تحولات اجتماعی پیگیری می‌کنند. اگرچه این گروه، امروز نگران هستند، رفاه نسبی خود را از دست داده‌اند، باز هم احتمال پذیرش این جایگاه مشخص نیست. جای امیدواری است، در اثر اتفاقاتی که در هم‌پیوندی اجباری این گروه با شیوه زندگی کارگران اعم از منطقه مسکونی، هزینه‌های زندگی و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آوری مانند هزینه درمان، مدارس غیرانتفاعی و... بر آنان، رخ داده مطالباتی که از دیرباز به تنهایی و توسط کارگران مطرح می‌شد، توسط این گروه تقویت شده و موجب شکل‌گیری شرایط تازه‌ای شود. در سال‌های اخیر، پرستاران، معلمان، مهندسان و حتی پزشکانی که به تعداد زیادی به جامعه تحت قرارداد و پشت نوبت قرارداد وارد شده‌اند، کفه مطالبات را به سمت قاعده جامعه تقویت کرده‌اند.

پژوهشگر حوزه رفاه

طبقه نوکیسه بلای جان طبقه کارگر

در تمامی ابعاد جامعه می‌توان مثال‌های متعدد و متنوع را بیان کرد. حال با چنین مواردی مگر آسیب‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کند؟ کارگران با شرایط پیش آمده چگونه می‌توانند در فضا‌های شهری زندگی کنند؟ آیا فضای شهری شکل گرفته، قفس آهنین مضاعفی را در جامعه شکل می‌دهد تا کارگران و طبقات پایین جامعه در رنج و عذاب زندگی کنند؟ آیا این از خودبیگانگی شکل گرفته و تشدید شده مجالی برای رفاه کارگران ایجاد می‌کند؟

عربانی طبقات جامعه همچنین میزان آسیب‌های اجتماعی در طبقه کارگر را افزایش داده است. از خشونت و خودکشی گرفته تا طلاق و افزایش تجرد قطعی. این آسیب‌های اجتماعی چنان جوامع آسیب‌پذیر را در نور دیده که در برخی موارد مسئله اجتماعی به سمت بحران میل

می‌کند. افزایش سرسام‌آور وسایل خانگی یکی از دلایلی است که میزان تجرد قطعی را در بین اعضای خانواده‌های کارگران افزایش می‌دهد. در افزایش سرسام‌آور وسایل خانگی، باز جای پای طبقه نوظهور مشا‌هده می‌شود. عربانی که طبقات نوظهور در جامعه به‌وجود آورده، هم سنت را به چالش کشیده، هم مدرنیته را و این چالش، هزینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در نهایت اقتصادی را بر طبقات خصوصاً طبقه کارگر وارد کرده است. طبقه نوظهور اختلاسگر و دلالی جدید همه ارزش‌ها را درنوردید و چنان شرایطی را به‌وجود آورد تا به امروز دولت‌ها نتوانسته‌اند این ناپسامانی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را سامان بخشند.

خطر رواج دستمزدهای...

کارگران نیز به‌عنوان مهم‌ترین اقشار ضعیف که همواره موضوع دستمزد و حقوق کم آن‌ها مسئله‌آفرین بوده است، از این شرایط متحمل خسارت‌های زیادی می‌شوند. در نظر بگیرید، کارگرانی را که به‌خاطر همین وضعیت، شغل خود را از دست می‌دهند. در نتیجه ترس کارگران از بیکاری، بسیاری از مواقع آن‌ها را نسبت به طبیعی‌ترین حقوق خود که یک مورد آن، افزایش دستمزد است، بی‌تفاوت می‌کند.

به همین دلیل هم هست که کارگران ترجیح می‌دهند با حداقل حقوق کار کنند، اما بیکار نباشند. در چنین شرایطی بسیاری از کارگران ترجیح می‌دهند حتی پایین‌تر از نرخ‌های مصوب در قانون کار، فعالیت کنند و این موضوع تبعات ویرانگری بر اقتصاد و حتی سلامت خانوار دارد.

دوشغله شدن کارگران نیز پیامد دیگر این وضعیت است که با توجه به سختی کار برخی از مشاغل، سلامت نیروی کار را با خطرات جدی روبه‌رو می‌کند، بنابراین در شرایط تورمی، هم دستمزد قبلی قادر به پاسخ‌گویی نیاز زندگی کارگران نیست و هم توقعات کارگران به دلیل ریزش نیروی کار، پایین می‌آید. شاید حتی مطالبه افزایش دستمزد نیز از سوی بسیاری از کارگران به دلیل همین مسائل، منتفی باشد. اما چاره چیست؟

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی کمترین نتیجه توقع از کارفرمایان که هزینه‌های را افزایش دهند، اخراج نیروی کار و بیکارشدن کارگران است و از سویی، با فرض پذیرش این مسئله، یعنی افزایش دستمزد از جانب کارفرمایان امکان جبران همه کسری دستمزد از جانب کارفرمایان وجود ندارد، بنابراین با باید جبران همه کسری دستمزد کارگران از سوی دولت و نهادهای حمایتی صورت بگیرد یا اینکه بخش عمده‌ای از آن، توسط دولت تأمین شود.

از آنجایی که پرداخت مستقیم مابه‌التفاوت دستمزد به کارگران، تورم ایجاد می‌کند، کمک دولت به این قشر می‌تواند در قالب بسته‌های حمایتی باشد که طی چند ماه اخیر از جانب دولت به اقشار محروم پرداخت شده است. البته مبلغ این بسته‌های توزیع شده ناچیز است و دفعات پرداخت نیز کم و همین مانع از افزایش قدرت خرید کارگران شده است، بنابراین بسته‌های حمایتی باید با مبالغ کافی و در دفعات چندین و چندباره و به‌صورت متوالی، در اختیار اقشار ضعیف و کارگران قرار بگیرد تا جبران‌کننده، مشکلات آنان باشد. توزیع بن‌های کالا نیز می‌تواند گره‌گشای خوبی در شرایط کنونی باشد.

اگر بُن‌های کالایی از موادغذایی، گوشت و برنج گرفته تا پوشاک به کارگران داده شود و پول این بُن‌ها از سوی دولت به تولیدکنندگان پرداخت شود، ضمن جبران تورم برای اقشار حقوق‌بگیر، چرخه تولید تولیدکنندگان نیز به حرکت درمی‌آید و امکان افزایش دستمزد از طریق افزایش ساعات اضافه‌کاری یا پرداخت راندمان تولید برای آن‌ها فراهم می‌شود. دولت باید حتماً به این موضوع توجه کند که توزیع بسته‌های حمایتی از طریق تعاونی‌های مصرف کارگری انجام شود، چون توزیع کالا از شبکه‌های دیگر، طبق تجربه، علاوه بر کُندی و تعلل با تخلفاتی همراه است که اثر مثبت این کار را تا حدودی خنثی می‌کند.

کارشناس اقتصادی

